



اصول اساسی رسیدن به مفاهیم قرآنی/ دلایل عدم استجابیت دعا چیست؟

رئیس پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن کریم گفت: محققین می بایست به اصول صحیح قرائت قرآن و درک مفاهیم آن مسلط باشند. اصول صحیح قرائت، یکی از مهمترین مؤلفه ها، در رسیدن به عمق معانی قرآن کریم است.

رئیس پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن کریم گفت: محققین می بایست به اصول صحیح قرائت قرآن و درک مفاهیم آن مسلط باشند. اصول صحیح قرائت، یکی از مهمترین مؤلفه ها، در رسیدن به عمق معانی قرآن کریم است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه_مهدی مستقیمی: تحلیل جایگاه دعا و نیایش در مختصات و باور قرآن کریم و بررسی اصول اساسی تحقق ادعیه ها و نیایش های انسانی در مقدورات الهی و دینی و همچنین تبیین راه حل های توسعه و ترویج فرهنگ دینی و قرآنی در جامعه، مقولاتی بودند که ما را برآن داشتند تا گفتگوی مبسوطی با حجت الاسلام والمسلمین محمد صادق یوسفی مقدم، استاد و پژوهشگر حوزه و رئیس پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن کریم، ترتیب دهیم که حاصل آن در ادامه از نظراتان می گذرد؛

*جایگاه دعا و نیایش در مبانی قرآن کریم چگونه تبیین شده است؟ تعبیر وارده در این باب در قرآن کریم با چه مشخصاتی تشریح شده اند؟

در باب دعا و نیایش، آیات فراوانی در قرآن کریم وجود دارند، خداوند در آیه آخر سوره مباره فرقان می فرماید: «وَلَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»؛ یعنی اگر دعا و نیایش و عبادات شما نبود، وزن و مقدار شما مشخص نمی شد و مورد لطف و رحمت خداوند قرار نمی گرفتید و این دعا و نیایش شما است که، شما را حفظ و نگهداری می نماید. اما اوج این مختصات در فرمایشات قرآن کریم، در آیه ۱۸۶ سوره مبارکه بقره، بیان شده است؛ خداوند در این آیه شریفه می فرماید: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»؛ این آیه شریفه از چند جهت مهم و قابل توجه است؛ در وهله اول در مخاطب قرار دادن انسانها، این آیه، یکی از لطیف ترین و زیباترین آیات قرآن کریم است. خداوند متعال در این آیه، به لطیف ترین و محبت آمیزترین نوع گفتگو، با بندگان صحبت می نماید. نکته دیگر درمضمون این آیه نهفته است.

شاید بتوان گفت از باب مضمونی نیز، یکی از شریفترین مضامین قرآنی، در این آیه بیان شده است. این آیه، سرشار از معانی و مؤلفه های عرفانی است و همچنین از حیث ساختار، یکی از برگزیده ترین ساختارهای قرآن کریم را در بر دارد. دقت و تدبّر در این آیه شریفه، به خوبی شدت محبت و علاقه خداوند متعال را نسبت به بندگان آشکار می سازد. در آغاز خداوند به نبی مکرم اسلام(ص) می فرماید: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي»؛ یعنی ای پیامبر(ص)، هر گاه شخصی از بندگانم، از شما در باب من، که خالق اوهستم، سؤال نمود، شما بگو که من بسیار بسیار، به بندگانم نزدیک هستم؛ نکته مهم در این آیه کلمه «عِبَادِي» است که خداوند، در این آیه به کار گرفته و این تعبیر را به جای کلمات دیگر، مانند: «الْإِنْسَانِ»؛ «الَّذِينَ آمَنُوا»؛ بکار برده است. معنای این کلمه اینگونه می شود که هرگاه، هر بنده ای از بندگان من و با هر شرایطی، از تو سؤال نمود، به او بگو؛ که من به او نزدیک هستم.

این تعبیر(عبادی) اوج لطافت و محبت خداوند را نسبت به مخلوقاتش نشان می دهد. این لفظ، باعث امنیت اشخاص در مواجهه با گفتار و بیانات قرآن کریم هم می گردد که، بندگان خدا، خود را در برابر خالق خود، راحت و بدون حجاب ببینند. نکته دیگر در این آیه، لفظ بندگان من است که خداوند به جای «عِبَادِ اللَّهِ»؛ یعنی بندگان خداوند، به کار گرفته است، تا مخلوقاتش، راحت تر نسبت به او معرفت پیدا نمایند. نکته دیگر این است که خداوند در این آیه می فرماید: «فَإِنِّي قَرِيبٌ»؛ یعنی؛ بلافاصله بیان می دارد که، من نزدیک شما هستم. این جمله ظرافت بسیار زیادی در بردارد؛ خداوند نفرمود: «فَإِنَّ اللَّهَ قَرِيبٌ»؛ فرمود: «فَإِنِّي قَرِيبٌ»؛ یعنی من نزدیکم؛ این لطافت در برخورد با بندگان، فقط خاص خداوند قادر و متعالی است که رحمت و مغفرتش واسعه است. با این تعبیر روشن، خداوند، بطور صریح بیان می دارد که، بین من و بندگانم، هیچ فاصله و مسافتی وجود ندارد و من پیوسته در کنار بندگانم هستم.

شخص دعا کننده و نیازمند می بایست در دعا و نیایش، فقط به خداوند توجه داشته باشد و از سایر وجوهات کناره گیری نماید

بلافاصله خداوند می فرماید: «أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَا»؛ یعنی؛ من، قطعاً اجابت خواهم کرد، دعوت و نیاز درخواست کننده را؛ طبق این تعبیر، خداوند صریح وعده داده است که هر بنده ای از بندگان من، اگر مرا بخواند، قطعاً پاسخ او را خواهم داد. شما در قرآن کریم می بینید که آمده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخَلِّفُ الِّمِيعَاتِ»؛ یعنی؛ به درستیکه خداوند وعده خود را عمل خواهد کرد؛ بنابراین شخص دعا کننده، طبق این آیه شریفه، مطمئن باشد که اگر از طریق صحیح، به درگاه خداوند نوبه و نیایش نماید، خداوند قطعاً خواسته او را برآورده خواهد کرد. نکته مهم این است که خداوند فرموده: «إِذَا دَعَا»؛ یعنی؛ زمانی که فقط مرا بخواند؛ این نکته مسئله بسیار مهمی است؛ شخص دعا کننده و نیازمند می بایست در دعا و نیایش، فقط به خداوند توجه داشته باشد و از سایر وجوهات کناره گیری نماید. امکان دارد ما، نیاز و یا حاجتی داشته باشیم ولی این مسئله را از خداوند مسئلت نماییم؛ خداوند در این آیه شریفه می فرماید: «إِذَا دَعَا»؛ زمانی که بندگانم، فقط مرا بخوانند، من آنها را اجابت خواهم کرد.؛ بنابراین وجه مهم دعا و نیایش، طبق این معنی صریح، فقط درخواست از خداوند است نه غیر او؛ مرحوم علامه طباطبایی(ره) در تفسیر این آیه شریفه می فرماید: «خداوند در این آیه، فرموده؛ اجابت خداوند، به طور قطع، واقع خواهد شد و این مسئله تخطی بردار نخواهد بود. اگر کسی چیزی را از خداوند بخواهد، قطعاً نیازش برآورده خواهد شد.»

* چگونه می توان از منظر قرآن کریم، در مسیر تحقق نیازها و خواست ها قرار گرفت؟

اگر دعا و نیایش انجام شد ولی نتیجه ای حاصل نشد، طبق تفسیر علامه طباطبایی(ره)، یکی از دو مؤلفه اساسی اجابت و نیایش در درگاه خداوند مغفول و فراموش مانده است. اولین مؤلفه این است که، یا دعوت کننده و دعا کننده ای، در آن مقام و موقعیت وجود ندارد و یا اینکه، دعا کننده، خداوند را مورد خطاب قرار نداده و یا اینکه اصولاً در دعایش، متوجه ذات اقدس الهی نبوده است. پاره ای از اوقات، بنده رو به قبله هم می ایستد؛ ولی در مناجاتش اهداف غیر الهی را مد نظر دارد. امکان دارد دعا کننده، در مناجات با خداوند، از او مسئلت و طلب نیاز نماید، ولی در پس این نیاز خواهی، امیال دنیوی و جسمی و گذرا، قرار گرفته باشد؛ به عبارتی، گاهی انسان در دعاها و نیایش های خود، به دنبال اغراض و اسبابی است که فراهم شدن آنها، باعث رسیدن انسان به مطلوبش می گردد. باید توجه داشت که این مناسبات، از الزامات دعا کردن نخواهند بود. انسان زمانی که دعا می نماید، می بایست چشم خود را از تمامی اسباب و علل دنیوی و مادی ببندد و از خداوند، نهایت کمال و سعادت را مطالبه نماید.

انسان زمانی که دعا می نماید، می بایست چشم خود را از تمامی اسباب و علل دنیوی و مادی ببندد و از خداوند، نهایت کمال و سعادت را مطالبه نماید

به عبارت دیگر؛ همانگونه که انسان، اسباب و علل این دنیا را از لوازمات اجابت دعا می پندارد، می بایست دعا و نیایش را نیز، اسباب و علل رفع حوائجش به حساب آورد. انسان مؤمن، می بایست با جدا شدن از تمامی تعلقات دنیوی، فقط خداوند را عامل رفع حوائجش بداند و تمام نیاز و خواسته هایش را از او مطالبه نماید. رویکرد دیگر این معنا این است که، شاید انسان دعا و نیایش نماید، ولی در این رویکردها، خداوند را مورد خطاب قرا ندهد و پیوسته از شخص دیگری مطالبه نماید که، مثلاً فلان شخص، فلان امر را در حق من انجام دهد؛ این رویکرد نیز در دعا کردن مناسب نخواهد بود. طبق آیه شریفه اشاره شده، خداوند متعال وعده اجابت دعا را بیان داشته، پس چگونه است که پاره ای از دعاها تحقق نمی یابند؟ علامه طباطبایی(ره) در این باب می فرماید: در این موضع، قطعاً یکی از دو شروط اساسی اجابت دعا از بین رفته است.

اولین دلیل عدم تحقق، به گفته علامه طباطبایی(ره)، دعا نکردن از بطن دل و با تمام وجود و فارغ از هرگونه اتصال به غیر از خداوند است و دیگری؛ آنکه در دعا کردن، وجوه دیگری را غیر از خداوند متعال، مد نظر داشتن که، این درخواست از غیر خداوند، به حق، مسیر تحقق دعا را مسدود می نماید. در آیه شریفه یاد شده، خداوند می فرماید: «دَعَا بِنْدَهُ أَمْرًا مَّا رَأَىٰ أَنَّهُ يُخَلِّفُ»؛ یعنی؛ مرا بخواند؛ اجابت می نمایم؛ به مناسبتی که فقط مرا بخواند؛ «أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَا»؛ یعنی؛ فقط مرا بخواند و از غیر از من بگسلد.

در ادامه این آیه شریفه، خداوند می فرماید: «فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»؛ یعنی اجابت دعا توسط خداوند، منوط می گردد به ایمان به خداوند و اجابت فرامین و دستورات الهی؛ انسان مؤمن می بایست به هیچ چشم داشتی، جز لطف و کرامت خداوند، امید نداشته باشد. خداوند در انتهای این آیه می فرماید: ایمان به غیر از خدا، باعث انحراف و دور شدن شما از رسیدن به خواسته هایتان می گردد و در ادامه می فرماید: اگر ایماننان فقط در اختیار من باشد، امید است در مسیر رشد و تعالی و رستگاری قرار گیرد و به رشد و شکوفایی دست یابید.

* اگر بخواهید به طور اجمالی، گزینه های تحقق دعا و اجابت خواست ها و نیازها را از درگاه خداوند متعال بیان نمایید؛

این گزینه ها چه مؤلفه هایی هستند؟

اولین گزینه، درخواست نمودن، فقط، از ذات اقدس الهی است؛ نکته دیگر اینکه، انسان از غیر خدا جدا شود و تنها با او گفتگو نماید. اسباب و لوازمات دنیوی، چشم آدمی را از نگاه عمیق به عظمت خالق، باز می دارد و باعث حجاب، بین بنده و خالق قادر متعال می گردد. خداوند در قرآن کریم با فرهنگ سازی، انسان را در مسیر صحیح بندگی قرار می دهد و او را از مناسبات غیر الهی برحذر می دارد. انسان مؤمن، همه امور را از دست باکفایت خداوند متعال می بیند و هیچ مقوله ای او را از توسل و توکل به خداوند جدا نمی نماید.

دعا خود بهترین اسباب است برای نیل به امیال و آرزوهای انسانی و دیگر اینکه در این پروسه نمی بایست به دنبال لوازمات و اسباب دیگر باشیم. درست است که خداوند متعال، اگر امری را برای انسان بخواهد، آن را به وسیله اسباب دنیوی فراهم می آورد؛ پس بنابراین بهتر است در دعاهايمان، ایجاد وسایل و ابزارهای تحقق دعا را نیز، از خود خداوند مسئلت نماییم.

در ادعیه های مشهور منقول است که خداوند خودش؛ مسبب الاسباب؛ است؛ بنابراین مؤمن می بایست در درخواست و نیاز از خداوند، بهترین وسیله را برای اجابت خواسته اش، همان دعا و نیایشش به حساب آورد. از منظر الهیات دینی، دعا همانند اسباب و لوازمات مادی، در تحقق تمایلات و نیازهای انسان، مؤثر و نقش آفرین است. در آیه مرور شده (آیه ۱۸۶ سوره مبارکه بقره) خداوند متعال با زیبایی هر چه تمامتر، تمامی واسطه ها را از میان برداشته است و مستقیماً با بندگان صحبت نموده است. در این آیه، به تنهایی هفت صیغه متکلم وحده، به کار رفته است و این نهایت ظرافت و اعجاز قرآن کریم است.

*در حال حاضر و بنا به فرمایشاتی که بیان داشته اید، به نظر شما، مهمترین شاخصه ها و برنامه های تحقق و توسعه فرهنگ دینی و قرآنی در جامعه، بر چه پایه هایی می توانند استوار شوند و در این پروسه، چه رویکردهایی را می بایست مد نظر قرار داد؟

برای هرچه بارورتر شدن فرهنگ و اندیشه دینی، به خصوص در دنیای امروزی و با توجه به مناسبات مدرن امروزی و بشری، مهمترین رویکرد، در ایجاد رابطه بین نخبگان علمی و اندیشه ای دینی و قرآنی، با توده مردم نهفته است. می بایست هر چه بیشتر در اشاعه فرهنگ دینی و قرآنی با توجه به مضامین عالی قرآنی همت گماریم و از انحراف جامعه به سمت مسائل کاذب و مذل ایمانی و دینی جلوگیری نماییم. مهمترین نکته در باب تحقق فرمایشات قرآنی، مطالعه دقیق و با تدبّر و همراه با اندیشه در بیانات قرآن است؛ محققین می بایست به اصول صحیح قرائت قرآن و درک مفاهیم آن مسلط باشند، تا خدای ناکرده تعبیر ناصحیح و نامعقول در باب فرمایشات قرآنی نداشته باشند. اصول صحیح قرائت، یکی از مهمترین مؤلفه ها، در رسیدن به عمق معانی قرآن کریم است. بنابراین قرائت صحیح، در تأثیرگذاری کلام قرآنی و همچنین در انس با قرآن کریم، قطعاً مؤثر و راهگشا خواهد بود.

برای عموم مردم نیز، می بایست این نکته لحاظ شود که، مهمترین راه رسیدن به آسایش و آرامش دنیوی، اجابت فرامین و اندیشه های قرآنی، در زندگی است. عموم مردم می بایست با مراجعه به ترجمه ها و تفاسیر معتبر قرآن کریم، در فراگیری فرهنگ قرآنی، خود را از گرفتاری به شبهات و مسائل نامتعارف، مصون دارند. درباب پژوهش های تفسیری و همچنین ترجمه ای قرآن کریم، بحمدالله؛ کارهای بزرگی در این سالها انجام گرفته است؛ مانند: تفسیرهای سترگ و کارهای علمی و عظیم قرآنی، که عموم مردم می توانند؛ با مراجعه به آنها، خود را در مسیر صحیح، تعلیم قرآنی قرار دهند. لازم به ذکر است که در همین زمینه نیز، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن کریم، آثار و ترجمه هایی را برای مشتاقان علوم قرآنی تهیه و تدوین نموده است که انشالله؛ مورد نظر مخاطبین محترم واقع گردد. وجود یک تفسیر متقن و ترجمه صحیح، در کنار پژوهش و قرائت صحیح قرآن کریم و همچنین تدبّر معقول در آیات قرآن، به طور قطع، مسیر رسیدن به معانی متعالی قرآن کریم را هموارتر خواهد نمود. انشالله با انس هرچه بیشتر با قرآن، جامعه هر چه بیشتر به سمت فرهنگ دینی و اسلامی حرکت نماید و انحرافات و معضلات نیز از جامعه زدوده شوند.